دار الترجمهٔ خاصهٔ همایونی

اخبار سیاسی
ترجمه از جرائد فرنگ

اخبار سیاسی
ترجمه از جرائد فرنگ

۴۲۹۹

پاریس

پولیس خانه خیابان دولتی امروز صبح بیک وضع غریبی آتش گرفته است
وقت صبح در زیر زمین راه گازی بنظر آمده بود و مستشار پولیس ازان اطلاع حاصل نموده بعمله
جات خود نشان داد از بدبختی نشد احتیاطی که باید بعمل بیاید
ده دقیقه بظهر مانده بود که یکمرتبه صدای عظیمی در حیاط دیوانخانه بلند شد همانوقت شعله
زیادی بیرون آمده و از شدّت آتش سنگ فرش دالان معبر اندیوانخانه از
زمین بلند شده باطراف پراکنده گردید و تا ارتفاع طبقه سیم که دفتر وزارتخانها در
انجا میباشد بلند شد و تمام شیشه های انعمارت خرد شد یکچندی اضطراب
بدرجه کمال بود همگی بطور وحشت فرار میکردند لکن همینکه رفع وحشت شد از همه
طرف در انمحل غم افزا جمع گشتند همان آن حیاط مملو از دود سیاه غلیظی
شده ممکن نبود بفاصله دو ذرع چیزیرا تشخیص داد بحمدالله بجز خسارت مالی چیز
دیگر وارد نیامد قراولرا بحالت بدی از زمین بلند کردند آن بدبخت هم سوخته شده
بود هم یکسنگی سرشرا مجروح کرده او را در حالت موت بمریضخانه بردند و خرده
سنگ هم پای یکقراول دیگر را که در درب عمارت بود مجروح نمود و فی الفور

در قراولخانه انمحله اورا مواظبت نموده بعد ازان حمل بمریضخانه کردند   خلاصه یکجوان بدبختی
از عمله جات کارخانه کازبستن بیت سالکی که کوسارد نام داشت و در ابتدای انجاد شده
در زیر زمین بود کلهٔ اش خرد کشت همچنین چند جای از بدنش سوخته شده بود و دختر الکلی
ملاح هم در انسوراخیکه آتش کرده بود افتاد اما بجز چند خراش چیز دیگر باو وارد نیاید   برای
استفسار انواقعه مسیو کامکاس مستشار پولیس ولدوراند منشی مخصوص و کوبه رئیس
پولیس عمومی در انمحل جمع شدند   چند دسته از مستحفظین و یکدسته از فوج جمهوری در
طلمبه چیهاد رتحت ریاست کلنل کوستون با اسباب کمک در انجا حاضر شدند درهای
پولیسخانه را موقتاً بسته و جلو عمارترا خلوت کردند بجهة اینکه تماشاچیان نزدیک نیایند
در انوقت که اینمطلب را طبع مینمائیم جمعیت زیادی در خیابان دولتی جمع شده اند
نامه داران مورخه دهم ماه آوت   این اوقات هانووی تقریباً چهار هزار نفر
سرباز بحری دارد و چهار صد نفر سرباز آنامی با چهار دسته توپچی آمانه اسب بجهة توپخانه
صحرائی هست و نه قاطر بجهة توپخانه کوهی   یکشب پیش از حرکت از هایفونک
دویست راس اسب بد بسانکهای آوردند و بدون اینکه آنهارا امتحان نمایند
خریدند   بعد از خریدن اسبهارا در یک کالسکهٔ آهنی گذاشته بزودی روانه

هانووی

هانووی خواهند کرد لکن چندگاهی طول خواهد کشید تا انکه کاری از انها ساخته بشود در
این فوج هم هیچ سواره ندارد و در خیال هم نبودند که یکدسته پیاده نظام سواری فراهم بیاورند مثل انهائیکه
در آفریک و مصر بکار آمدند تاتوهای خوبی در این مملکت پیدا میشود اگرچه مثل حیوانات
دیگر بکار نمیخورد و نمیتواند یکنفر سرباز را با بارش ببرد اما بجهة سواری پیاده نظام بطور خوبی
میتوان بکار برد علی الظاهر بجهة تنکن خیلی مفید است و پیاده نظامهائیکه میتوانند باینوسیله
در سدها و بیابانها بروند و مثل پیش قراول خدمتهای خوب بکنند   از قراریکه معلوم
میشود هیچ قسم کمکی از دولت فرانسه بجهة نقل کردن آذوقه فرستاده نشده است و وضع
طوریست که باید از سمت رودخانه تهیه آذوقه نمود زحمات ژنرال بووه را سهل و مختصر
نباید شمرد جماعت علم سیاه قلعه بندی خود را در پشت سنگها و درختها کرده اند مادامیکه
سدهای بزرگ در انجاها هست و مردمان کاری و با جرأت بجهة مدافعه انها در سدها
قرار گرفته باید در کمال احتیاط جلو رفت   از قرار معلوم دولت فرانسه بجز آدم و
اصلحه چیز دیگر نفرستاده است و بخیال سایر اسباب لازمه افواج نیفتاده است
چیزیکه هست وجود رودخانه خیلی مفید است و بکار میاید اما ظاهراً کشتی مرسول بجهة جنگ
حالیه کم باشد در هانووی سه کرجی جنگی هست که خیلی کم قوت و غیر مطبوع است

یکچرخی درعقب کذاشته اند وبهمه جهة یکتوپ دارد   اهالی کشتی وچرخهای آن نزدیک

بکلوله توپ وتفنگ دشمن هستند   چندروز قبل یکی ازاین کرجیها درهنکام تفحص وکردش

که داشت خطرعظیمی واردآمدیک کلوله بان رسیده بازوی یکنفررابرده است (وبعد الکلام)

وبعد انکلوله ازچند سانتیمتر بدیک بخار کشتی خورده است سه کرجی کوچک بابکیعراده

توپ باکشتی فرانسه میباشد وتوپهای خودکشتی راباچادرن پوشانیده اند   همانروزدیکر

من باکشتی روریمارو وارد هانووی شدم حکم باو داده شد که خودرا آماده

نموده بادویست وپنجاه نفرسرباز آنامی روانه نامدان بشوند وبفوجیکه درتحت

ریاست کلنل بادان که بهتروجوانترین سرهنکهای پیاده نظام بحریه میباشد ملحق بشوند

اهالی آنام جرأت پیداکرده دوباره نامدانرا دروحشت انداخته بودند من مستعد این

شدم که باسربازها سوارکشتی بشوم   این سربازها قدکوتاهی دارند وبنظر می آید که درمشق

نظام ازافواج هندی عقب باشند لباس آبی دربردارند وکلاه سبدی که دورآنرا هم

کرفته اند بسرمیکذارند تمام صاحبمنصبان این فوج فرانسه هستند ورود قشون بکشتی بانظام

وبی قیل وقال شد   اهالی که میان هانووی ونامدان هستند خیلی زیاد

ترند ازانهائیکه میان پای تخت وهائیفون هستند جمعیت زیادی ازدوطایفه در

روی

روی سدها عبور میکردند اما مواشی کمی بنظرمی آمد   چندروزقبل یکقسمت ازاشخاصیکه

علیق جمع میکنند وفرانسه بودند تمام کاوهارا القیمة معمولی خریده درفضائی که پنج میل سطح ان میباشد

جمع نمودند   نزدیک نامدان درمملکتی که بتصرف اهالی آنام است رشته های قوات

رفته رفته بهم نزدیک میشد ودرهرلحظه تشویش این بود که چینیها حمله بیاورند کرجی موسوم

بسورپریز که یکی ازکرجیهای بزرک کشتی بود درجلو قلعه لنکرانداخت نامدان که دوبین

شهر تنکن میباشد مثل هانووی یکشهر متروکی است وان اشخاصی هم که درانجا پیدا

میشوند همکی کاتولیک هستند وفرانسها انهارا بزیراسلحه درآورده اند

سربازها ازکشتی بیرون آمده بچابکی وبطور بی نظامی بناکردند براه رفتن اهالی قلعه بسبب

ورود این قشون کمک پریشان شدند   امابجهة کلنل بادان هیچ فرقی نداشت

درجنکهای قبل هماوقتیکه میخواستند شروع بکنند فرمانهائیراکه باید بدهد داده وصحبت

کرده بمن اظهارداشت که بجهة فرداصبح خودرا آماده سازم   درچهار ساعتی صداهای

پای سربازهارا میشنیدیم که بسمت رودخانه میرفتند وداخل یک کشتی بادی

که بایک کشتی بخار کوچک دربندرکاه بود میشدند   ملبوس قشون تنکن

عبارت است ازیکقبای آبی یک شلوارسفید که خیلی کثیف است

بایک کلاه پنبه   از صداهائیکه انها میکردند متعجب شدم میخواستند که غفلتهٔ یورش
بیاورند صاحبمنصبان باواز بلند حرف میزدند و مردم صحبت میکردند و صداها چنان شدید
بودکه تا یک میل از هر طرف میشنیدند لکن همینکه کلنل نمودار گردید همگی ساکت
شده و بطور قاعده و نظام رفتار نمودند   اگر بطور صداقت خیال خودرا اظهار
نمایم این قشون از حیثیت نظم در اول وهله بنظر نمی آید از ان قشونی باشند که شخص
نخواهد بطور دلخوشی با آن جنگ نماید   هوا هنوز درست روشن نشده
بودکه انگشتی بخار کوچک با کشتی بادی براه افتادند و گرجی سور پرینز هم که
کلنل **بادان** بمن اذن داده بودکه با او همراهی بکنم در عقب انها میرفت
از سه طرف میبایست حمله بیاورند یکی از ان ستونها میبایست که از روبرو بدشمن
حمله بیاورد ستون دیگر از سمت دست راست و ستون سوم از دست
چپ بطوریکه راه گریز را مسدود نمایند دشمن از حرکات ما اطلاعی حاصل نموده
اردورا برداشتند و بعد ازانکه قشون وسط را گلوله باران نمودند چنان بجائی
فرار کردند که ما نتوانستیم بموقع از کشتی بیرون بیائیم و راه فرار انها به بندیم
کلنل **بادان** متاسف شد و آن درسیرا که میخواست به **آنامیها** بدهد
نتوانست

نتوانست بدرستی حالی نماید   انطرف قلعه بمسافت دو میل
جمعیت کثیری سنگرها را متصرف شده بودند و فردا سه ستون که هریک
چهارصد نفر میباشد از روبرو بانها حمله آوردند کلنل امیدوار بودکه اگر راه گریز را
مسدود نماید انها ایستادگی خواهند کرد و باین وضع افواج او میتوانند با آنها برابر بشوند
من در ستون وسط بودم و راه بسیار کثیف و بد بود و در روی سدی که اطرافش
تپه های گلی بود راه میرفتیم و در هر بیست ذرع یک گودال پستی این سد را بریده
بود و در وقتیکه آنها را طی مینمودیم آب تا شانههای ما را میگرفت سربازهای اروپائی
خسته شده بسیاری از انها عقب میماندند لکن نظم قشون **آنامی** خیلی بیشتر
بود   در هر سمتی بمسافت یک میل آن دو ستون دیگر در روی یک خط
متوازی میرفتند و بسبب ناهمواری زمین گرفتار صدمه بودند   و در جلو هر ستونی یکدسته
از قشون **کاتولیک** همانولایت بود و هر دسته بیست نفر یک بیرق
سه رنگی فرانسه داشتند عساکر معاون با جرأت تمام راه میرفتند
در قشون چینی صدای طبل حاضر باش بلند شد دفعةً شلیک چندین
توپ را شنیدیم و گلوله های گرد در روی سد و مزرعه های برنج می افتاد و دولتی

بکسی نرسید تعجیل کردند عقب ماندها جهد مینمودند که بستون قشون خود برسند
عساکر معاون فرانسه‌ها را در پشت سر خود دیده جلو رفتند ناگاه از یک بیشه
شلیک کردند و دو نفر را بر زمین انداختند مابقی بجای خود ماندند در دقیقه
دشمن عقب نشست قشون آنامی خود را جمع نموده شلیک سختی کردند
در حقیقت مقاومت دشمن بآخر رسیده بود باز هم در نقطه دوری سکرپیل
پیدا بود و دو توپ شلیک مینمودند بدون آنکه بکسی اذیت برسد و یکدسته
قشون آنامی بطور شنا از قنات گذشته و بمسافت زیادی شروع بشلیک
کرده آنهارا در نوبت خود شکست دادند ما یکقلعه محکمی را متصرف شدیم که
مشتمل بر رشته خط سنگر بود و در جلو یک قنات عمیق ممتنع العبوری داشت
و بجهة انداختن پلی در روی این قنات بیشتر از یکساعت طول کشید بقسمیکه
اگر دشمن مصر شده بود یقیناً خیلی اشخاص از ما تلف میشدند شش عراده
توپ بتصرف ما افتاد و بسیاری از آنامیها را هم در وقت فرار کردن مقتول
ساختیم من تقدریکه باید از حالت قشون آنامی خبردار شده‌ام و میدانم
که در برابر قشون فرانسه کاری نخواهد کرد حال سیاه علمها و چینیها باقی مانده‌اند

ایطالی

ایطالی مورخه بیست و هشتم سپتمبر ازقرار اخباریکه
از ناپل رسیده ناخوشی محرقه در کازامیکیشیولا بروز کرده است
پنج نفر گرفتار این ناخوشی شده یکنفر از آنها وفات نمود و مریضها را در یکخانه
علیحده مواظبت مینمایند

مصر مورخه سلخ سپتمبر امروز صبح ماثور برنک
بحضور خدیو رسیده و بقانون نظامی از او پذیرائی نمودند علمای جامع
الازهر در رد متمهدی اعلانی بمسلمانها کرده‌اند و این اعلان در ممالک سودان
منتشر خواهد شد وزیر فواید عامه اعلانی بمجلس وزرا کرده و سفارش
میکند که یکراه آهنی از وادی الیهالفا تا خارتوم بکشند در عوض آنکه میخواستند
از سواکیم تا خارتوم بکشند

پاریس

مورخه سلخ سپتمبر در شب گذشته مستحفظینیکه
از سر خدمت خود مراجعت مینمودند یکجعبه حلبی در خیابان ولترپامی درختی
پیدا نموده که در جلو خانه نمره ۶۰ اگذاشته بود و سر او را محکم بالاک بسته بودند

ودر روی آن بلیتی چسبانیده این مضمونرا نوشته بودند اینرا در روی
بخاری بگذار که خوب روبرو باشد بقسمیکه بتوانند باز نمایند مستحفظین
ازاین انکشاف متحیر مانده اورا فی الفور نزد رئیس پولیس بردند ومعلوم شد که
درمیان جعبه مقداری دینامیت ریخته اند چگونه این جعبه دران مکان یافته شده
آیا سرّی دراینمطلب هست رئیس پولیس معین خواهد نمود

مورخه غره اکتبر حادثه خونریزی امروز صبح درکوچه مارکاده ودر نمره
۳۳ اسباب اضطراب کلّی گردید دراین خانه زن وشوهری هوستوم
نام درمرتبه چهارم دراطاق کوچکی منزل کرده بودند امروز صبح شش ساعت
ازدسته گذشته نزاعی درمیان این دونفر اتفاق افتاده لووی هوستوم
باکاردی زخمی بران چپ زن خود زده اورا مقتول ساخت این کارد
بزرگ تیز بقدر سه سانتیمتر دران زن فرورفت وشریانرا بریده سیلان
خون باعث وفات او شد بعدازان قاتل پنجره را باز نموده خودرا
درکوچه پرت کرد درحال افتادن مغز سر او خرد شده وفی الفور وفات
یافت مسیو پرشا رئیس پلیس انمحله تحقیقات لازمه را بعمل خواهد آورد

مورخه

مورخه دوم اکتبر اخبار مفیدی که متعلق به تنکن میباشد
بدولت فرانسه رسیده است در بیستم سپتمبر تلگرامی از هون
کون رسیده ومضمون آن اینکه در پانزدهم ماه مزبور جماعت علم سیاه
تمام محوطه که مابین هافووی و سانکتائی واقع است تسلیم کرده اند در غدهم
کلنل پیشو دو دسته سرباز همراه برداشته که انمحوطه را باز دید نماید وتمام سنگرها
وقلعه جاتی که هنوز باقی است خراب نموده از سمت چپ رود خانه وارد
هافووی بشود بعدازآنکه تمام آن ناحیه را تا قنات راپید ازاشرار امن نماید
این نتیجه یکی ازفقرات معاهده هووه میباشد دولت آنام متحمل مخارج جماعت
علم سیاه نشده آنها لابد عقب نشستند

مورخه دوم اکتبر مسیو تیرمان حاکم الجزایر دیروز عصری از
پاریس حرکت کرده روانه الجزایر شد مادام ومادموازل تیرمان هم اورا
همراهی نمودند در دوشنبه بیستم اکتبر درعمارت مصطفی مجلس عیشی
بجهة عروسی مادموازل تیرمان با نایب بیگلربیگی الجزایر فراهم
خواهند آورد

جاوه سوماترا و آتش فشانی تنکه سوند

یک آتش فشانی شدیدی تنکه سوند و ممالکی که در اطراف جزایر جاوه
و سوماترا واقع است منهدم نمود صد هزار نفر عرضه هلاک شدند و قشون هولاند
در آنجز در آب مفقود و مستغرق کردیدند و شهر هم تقریباً با تکوبلون و دهات
چند معدوم شد   از این غایله هایله که خیلی شدیدتر و کثیر المضرت تر از غایله
هرکولانوم و پمپی میباشد خیالات پر وحشت در عالم بروز کرده است
در ۲۵ آاوت از علامتهای یقینی معلوم میشد که ولکان بزرک کروکاتوا
(کوه آتش فشان) در همین نزدیکی آتش فشانی شدیدی خواهد نمود و از
بتاویه و سوراپتیا صداهای زیرزمینی میشنیدند و زمین از بسکه تکان
و تزلزل داشت بمثل شخص زنده جنبش مینمود   یکدفعه آن ولکان
بحرکت آمد و از ابتدا ابنا کرد بخاکستر کرمی پاشیدن و در عرض چند ساعت
تمام آنحوطه تا یک ارتفاع بزرکی در مواد آتش فشانی مستور کردید و بعد
سنکهای خیلی کرم با نشخوارهای ولکانی بانها ملحق کردید هرچند که بتاویه
و سوراپتیا دور از انجا واقع شده بود لکن انها هم بهمینطریق پوشیده
زنجا

از خاکستر و نشخوار کردیدند در حول و حوش آنجز راهها و صحراها در زیر انچیزهائیکه
ولکان افشانده بود ناپدید شدند و از بسکه سنک در روی پلهها ریخته شده
بود همکی آتش کرفته فرو میرفتند و هما نوقت آبهائیکه از تنکه میکذشتند بجوش آمدند
دریا بلند شده بود و بساحل جاوه متصل موج میزد   شدت تموج
آتش فشانی بوسط دریا سرایت کرد و آبهای دریا بواسطه ولکان در جزیره مادورا
که در چهل فرسنکی تنکه سوند واقع است بقدری بلند شد که اقصرا مستور ساخت
در ۲۵ و ۲۶ صداهای زیرزمینی شدیدتر شد ماهامرو که بزرکتر ولکان جاوه
میباشد بحرکت آمد و شروع به آتش فشانی شدیدی نمود و بعد از آن
کونانک کوشود و پانزده ولکان دیکر که در جزیره جاوه میباشند شروع به
آتش فشانی نمودند   این غایله هایله مثل اینکه درجه قوت را داشت و بنظر می آمد
که جزیره جاوه بلند شده است و زمین از حرکات تحتانی بلرزه در آمده بود دقیقه
بدقیقه حرکات وحشت انکیز بروز میکرد در حین آتش فشانی صداهای غریب
برمیخواست و خاکستر و مواد آتش فشانی می افشانید   این وقایع عجیبه بهوا
هم سرایت کرده بود و صداهای صاعقه مسموع میشد هوا مملو از الکتریسیته بود

هر آنی در افق برق میزد و چندین دیو باد روی دریا و جزایر را گرفته بود   دریا چنان
سخت و بلند شده بود که میگفتند جاوه در زیر آب مستغرق و مفقود خواهد
شد امواج بشدت تمام بطرف سنگهای عظیم کوه ریخته و امواج دیگر ممتد
انها شده ستونهای کف هویدا میکردید   کفهای آتش اغلب
از سوراخهای کوه آتش فشان مملو ساختند جوششهای آتش بسوراخ
رسیده راه باز کرده بشدت تمام در دره ها منتشر شده و حرارت زیاد
بواسطه آن باطراف سرایت کرد انعکاس این آتش فشانها در
بالای کوه کاندونگ که در سمت جنوب شرقی جاوه واقع است
یکروشنائی مخصوصی هویدا ساخته که رفته رفته پایین آن تیره رنگ میشد
صبح دوشنبه ۲۷ آاوت بطور تعجب آمیزی دیدند که از نگری پاسرونگ
تا پونکادوسان زمین در زیر آب قرار گرفته است و آبها در این
نقطه پنج فرسنگ مربع را پوشانیده بودند پانزده هزار نفر غرق گشتند
و یکنفر از اهالی این نقطه زمین از چنگ اجل رهائی نیافت جاهای دیگر هم
اهالی در زیر خاکستر و خرابی شهرها و دهات خفه شدند و چنانکه پیش مذکور شد
بیش از

بیش از صد هزار نفر بعرصه هلاک رسیدند در بانتام هم که آب دریا
آنرا فرا گرفته بود پانزده هزار نفر غرق شدند بنابر انک بیشتر صدمه
وارد آمده است تمام اهالی این جزیره در ظرف چند ساعت که آبها آنجارا
پوشانیده بود مفقود گردیدند   در سوماترا ولکان بزرگ پاپاندیاند
در حین آتش فشانی سه سوراخ دیگر باز نمود و گردباد شدیدی از روی جزیره
گذشته تمام مزرعه ها و شهرها را منهدم نمود و سبب خرابیهای کلی شد
این ولکان پاپاندیاند که از شدت آتش های زیر زمینی نقب زده بود
دفعةً فرو رفته بجای آن هفت سوراخ دیگر باز شده آتش فشانی پر زور نمودند
در بیر تنزوک   سامارانگ و تمام نقاطهائیکه در تنگه سوند
واقع است اشخاص زیادی هلاک گشتند   ارتفاع کراکاتوا
کوه آتش فشان تنگه سوند هشت صد متر است و تقریباً در وسط تنگه
واقع   در روی خطی که از نقطه هوک میگذرد چهارده جزیره کوچک
بروافتاده و نمودار شدند   چند روز بود گمان میکردند که راه کشتی مسدود
شده است لکن بحکم دولت هولانده و همچنین سه کشتی جنگی انگلیس

تمیز عمیق انجار اداده معلوم شد که یکراه ممکن العبور هنوز باقی است

نویورک مورخه چهارم اکتبر قیمه کندمیکه از آمازونی
بخارج حمل کرده اند تقریبا پانزده میلیون دولار است (دولار پنجهزار دینار پول ایران میباشد)

استامبول مورخه ایضاً امشب در کادیکوی محله که در بسفور
ومخصوص انگلیس ها واروپائیها میباشد یک یانقین شدیدی شده است
ابتدای این یانقین از استاسیون راه آهن بروز کرده است ویکباد شدیدی
هم باو مساعد شده سیصد خانه را با کلیسای ارامنه خراب نمود

از قرار اخبار روزنامه استاندارد عنقریب است بکشتی انگلیسی
دریای مدیترانه حکم برسد که نزدیک استامبول رفته از پلیتیک
انگلیس در ممالک عثمانی تقویت نماید روزنامه مزبور میگوید که بودن
کشتی انگلیس در دریاهای عثمانی اسباب این میشود که دولت عثمانی منتشر
سازد که دولت انگلیس بهری مینماید

لندن هفدهم اکتبر از قرار اخباریکه امروز از طهران رسیده است
امیر ایوب خان مرخصی گرفته که از ایران حرکت نماید و در همین نزدیکی روانه بخارا خواهد شد

سنت پطرزبورغ

سنت پطرزبورغ هفدهم اکتبر روزنامه سنت پطرزبورغ
از قرار تلگرامی که از طهران رسیده مینویسد که دولت روس وایران متفق
شده اند که قراری بجهة راهزن وغارتگرهای ترکمان بگذارند وهیچیک از این دولت
در خیال این نیستند شهر مرو را که بالای سرحدهای معین واقع است تصرف نمایند

رومانیا پنجم اکتبر بموجب اخبار واصله از بوخارست کالسکه
راه آهنی که از پاریس به استامبول میرفت در دوشنبه گذشته نزدیک
شهر ورسیورو واعراده های کالسکه از روی خط راه آهن منحرف شد
چندین کالسکه آهن در روی راه سرنگون گردیدند وبسیاری از مسافرین
زخم جزئی برداشته بدو نفر هم زخم کلی وارد آمد یکی از راهنماهای کالسکه آهنی فی الفور
مقتول گشت

پاریس مورخه ایضاً واقعه بدی در محله برژر اتفاق
افتاده است یک عطاری آرتور کیو نام در زیر زمین رفته که الکول
بیاورد از بدبختی آن الکول بر روی او ریخته بواسطه شمعیکه در دست او بود
آتش میگیرد پاها ورانهای آن بدبخت میسوزد طلبیچیها بزودی

حاضر شده که آتش را خاموش نمایند در همان ضمن هم مستحفظین از
پنجره های زیر زمین خاک میریختند

بلژیک هفتم اکتبر چند روز قبل در شهر آنور از گرفتار نمودن
یکنفر اسپانیول که کازوریا نام داشت معلوم شده است که
دستگاهی بجهة سرقت و دزدی وغیره فراهم آورده اند این شخص که تازه
از محبسهای فرانسه مستخلص شده در بلژیک آمده مشغول این بود
که در شهر آنور مجلسی بجهة احداث پلهای دستی برقرار نماید که منزلگاه
ملاحان اسپانیول و بلژ باشد تا وقتیکه گرفتار آمد از قرار تحقیقاتیکه
بعمل آوردند معلوم گردید که در میان اشرار و سارقین ممالک مختلفه یکقسم
وابستگی و یکقسم عهدی هست که میتوانند بتفصیل ذیل حرکت نمایند شخصیکه
از حالت مملکت بلژیک آگاه است یا آنکه تولدش در انجا شده و یا
متوقف انجا بوده است می آید در مهمانخانه معتبری منزل مینماید و از روی
نقشه که باو داده اند بجهة دزدی آنرا زیر نظر معلوم و معین میکنند بعد از
حصول اطلاعات خبر بهمدستهای خود که در روزهای قبل پیدا نموده میدهد
وانها

وانها صبح زودی یا آنکه نصف شب در انجا حاضر شده دست برد میزنند
و بعد ناپدید میشوند بدون آنکه رد پای آنها مشخص بشود و آن راهنما زودتر
از همه ناپدید میشود برای آنکه توقف گاه دیگری بجهة خود پیدا نماید این است
وضع تمام دزدیهائیکه چندگاهی است در بلژیک میشود و در دولتهای نزدیک
هم باید همین قسم باشد و باین جهة گاهی اگرچه محال نیست خیلی مشکل است
دزدیهائی را که با این جرأت میکنند و انسان تعجب مینماید معلوم و دزد آنرا
پیدا نمود یکی از صاحبمنصبان چالاک پلیس بلژ تازگی در پاریس
آمده بجهة آنکه به پیدا نمودن این قبیل دزدیها بپردازد

ایطالیا هشتم اکتبر روزنامه فوواآرنا مینویسد که در
هفته گذشته دو نفر آلمانی لباس عملگی پوشیده نزد مقاطعه کننده قلعه
سانمارکو نزدیک پرفو رفته از او خواهش کردند که ما دو عمله فقیر
و بیکاری هستیم ما را در کارهای ترسیم وادارید و هر قدر رحم که میل نما باشد
بما مزد بدهید که بتوانیم گذران نمائیم مقاطعه کننده انها را بسر کار گذاشته
و مزد قلیلی بجهة انها معین نمود شنبه گذشته در انساعتی که مزد

میدادند مقاطعه کننده این دو نفر خارجه را پیدا نکرده یکی را گماشت که انها را آواز
نماید   این گماشته انها را در یکجای پنهانی پیدا نموده که مشغول نقشهٔ
برداشتن قلعه‌ها بودند   این دو نفر آگاهی غفلة گیر آمده با کمال تعجیل فرار نمودند
وسوار از فی الفور خبر داده بجستجوی انها بر آمدند اما تا بحال هیچ خبری از انها نشده است
وگمان میکنند که این دو عمله مهندس یا صاحبمنصب نظام اطریشی بوده‌اند
پاریس هشتم اکتبر   وقایع نگار مخصوص از ماچین کاغذ ذیل را
نوشته است   ۲۱ سپتمبر از مجبر هووه   قلعه‌جات
قوران آنرا گرفته و حال مدخل رودخانه بتصرف آمده است بلیهٔ که به آنامی‌ها
وارد آمد چنان شدید است که دفعة تمام قوه و قدرت انها رو باضمحلال گذاشت
امیرال گوربه در کمال خوبی جنگ کرده و بیرق فرانسه را در روی قلعه‌جاتی
که بتصرف ما در آمده بود برپا نموده با کمال افتخار او را اسلام نمودیم   در ۱۷ ما
سپتمبر کشتی‌های فرانسه در خلیج قوران جمع شده بودند در این قطعه بریدگی
باشکوهی از ساحل که در ۱۸۵۸ مسیحی بتصرف ما در آمده بود و از انجا آمیرال
ریگو یگراهی باز نموده که سایگون را متصرف شود بانیطریق پایین ماچین
بدست

بدست ما افتاد و توران هم در مقابل هووه برای محل جنگ تعیین واختیار
شده است اما اسباب کافی نداشتیم که از سمت خشکی برویم و قشون
بحری کشتیهای کوچک که در آب قلیل حرکت میکنند نداشت که بتوان
از سمت رودخانه هووه جنگ نمایند   آمیرال گوربه با کشتی‌های
موسوم به بایارد   آتالانت   شاتورلو و کشتی‌های جنگی وپیپر
ولنکاس از خلیج آلون حرکت نمودند و وعده‌گاه انها با کشتی‌های آنامی
ودراک در توران بود کشتی‌های مزبور ۶۰۰ نفر سرباز پیاده نظام بحری یکفوج
سرباز آنامی یکدسته توپچی از سایگون حمل نموده با صد نفر خولانی
بخولان که یکی از شهرهای چین میباشد میرفتند خولان هم در یکفرسنگ و نیم
سایگون واقع است   کشتی بایارد که در روی آن آمیرال
بیرق زده بود و مسیو مارماند هم در آن بود کشتی زره پوشیست که چند عراده
توپ دارد و نوزده سانتیمتر دهنه آن میباشد و چهار عراده توپ چهارده
سانتیمتری با چندین توپ کوچک دارد مسیو پاپیرون ناخدای این
کشتی میباشد و کشتی آتالانت که ناخدای آن مسیو کالاش میباشد

بهیتقم کشتی زره پوشی است و هفت توپ دارد که نوزده سانتیمتر
دهنه انها میباشد با چندین توپ کوچک   شاتورلو که پولینو ناخدای
آن میباشد یکی زره پوش چوبی است که راه تندی دارد با پنج توپ شانزده
سانتیمتری که همه را در روی پل قرار داده اند   ویپر و لنکس دو کرجی
درجه اول میباشند دو توپ چهارده سانتیمتری و دو توپ ده سانتیمتری
دارند که تا دو متر و نود سانتیمتر ته انها در آب است و ناخدای کرجی اول
لرارد نام و ثانوی بلووه میباشد   آنامی و دراک کشتی های حمل کننده
هستند   در توران بجهته جنگی که فردا باید شروع بشود تهیه می بینند
و آمیرال همه صاحبمنصبان خود و افواج دیگر را جمع نموده حکم و دستورالعملهای لازمه
بانها داده فردا صبح سه ساعت از دسته گذشته شروع بجنگ
خواهند نمود   خلیج توران چه قدر توقف گاه بدلیست که در جنگ
۱۸۵۹ مسیحی خیلی از پیشینیان ما در انجا تلف شدند این خلیج پست
افتاده و کوههای بلندی در دور او واقع شده هیچ نسیمی نمیوزد و گرما خیلی
شدید است که اگر اضطراب این روزهای بلند شخص را نگاه داری
نمیکرد

نمیکرد آدم خوابش میبرد   در میان ما از اشخاصیکه در تحت آمیرال
ریگو گنووی جنگ کرده اند خیلی کم پیدا میشود پارایون ناخدای کشتی
بایارد که فرمانده قشونی است که بساحل میروند در انجا اول خدمت کرده است
و در جنگ اول توران مایل بود که برتبه بلندی برسد   بعد از پست و پنج سال
مراجعت نموده او را ناخدای کشتی نمودند و بنظرم می آید که در میان صاحبمنصبانیکه
حال در انجا هستند مسیو لرارد ناخدای کشتی ویپر تنها شخصی است که
با ناخدای پارایون در فتح طرف پائین ماچین شراکت نموده اند   روز
شنبه ۱۸ استیمبر سه ساعت از دسته گذشته کشتیها بطور قطار
حرکت نموده روانه رود خانه هووه که آمیرال کوربه در مراجعت از خلیج آلون
انجا را ملاحظه کرده بود گردیدند هوا ملایم بود اما در وسط دریا امواج کشتی های
کوچک را میچرخاند و خوف ما از این بود که در بندر نمیتوان داخل شد   مسافتی
که از توران تا رود خانه هووه بود در چند ساعت طی نمودیم و همه کشتی ها
در مکانیکه آمیرال تعیین کرده بود لنگر انداختند   کشتی های بایارد و آتالانت
لنگر عقب را انداخته و رو را بقلعه های تووان آن نمودند که از جریان دریا محفوظ باشند

کشتی های دیگر بصدای او شلیک کردند چینیها هم از سمت خود شلیک نموده
بدون انکه کلوله انها بما صدمهٔ برساند لکن کلولهای ما هر دفعه رخنه باز کرده انبا
خسارت میشدند امواج کشتی هائیراکه روبرو واقع شده بود میخراشید
امّا کرجی ها بطور سختی شلیک مینمودند و منتظر بودند که کشتی خط راه ما را معیّن بکند
با این دریای ملایم کلولهای ما بخط مستقیم نشانه میزدند و اهالی کشتی های دیگر هر
جزو توپخانه نیستند احسنت و آفرین میکفتند شبانه آمیرال حکم داد
که دست از جنک بکشند و حقیقةً در این شب تاریک تماشای خوبی
بود آتش هائیکه بواسطهٔ کلوله ما افروخته شده در آن زمینی که قشون ما میخواهند
فتح نمایند روشنائی ضعیفی می انداخت شب را بدون خطر کذرانديم
ناخداهای کرجی تمیز عمق راهی راکه بساحل میرود معیّن کردند صاحبمنصبان چینی علامتهای
خطر دریائی را برداشته و کرجی های ما بجای آن فی و چیزهای دیگر کذاشتند
بنا بود که روز یکشنبه بساحل برویم امّا سدّ بند آمده و آمیرال فرمان داد
که از همه کارها دست بکشند در ساحل پیدا بود که چینیها میان قلعه ها
عبور میکردند چند شلیک بطرف آنها کرده همکی بطور بی نظمی فرار نمودند بهر قسم

در پایین کوه خط توپها در جلو ما جدا میشد و دو قلعه بزرک توان آن در روی
شنزار واقع شده و بهمه جهته چندین درخت این مکان را شکوه میدادند
و در این فصل که حرکت آفتاب از سمت جنوب و در نزدیک سمت الرّاس
بود شعاع زیادی در آنجا انداخته بود کشتی های بایارد و آتالانت
تقریباً در هزار پانصد متری قلعه جات بودند نزدیک شمال قلعه جنوبی و شاتورنو
در مشرق کشتی بایارد لنکر انداخته بود میسیو شاپمیو نایب کشتی راتق
وفاتق مخصوص امور مملکت و نایب الحکومه ما چاین که با کشتی الووت بود
دورتر بودند آنامی هم در شمال قلعه بزرک توان آن لنکر انداخت
کرجیها با کشتی دراک نزدیک ساحل آمده در وسط صف زره پوشان
قرار کرفتند (~~کرجیها با کشتی دراک نزدیک~~) رودخانه هووه سدّ
ناهمواری دارد هر وقت که هوا ملایم است میتوان بخوبی از آن عبور نمود
امّا وقتیکه باد میوزد امواج بلند شده راه را مسدود مینماید در این فصل
خیلی کم اتفاق می افتد که راه بند باشد لکن در موسمیکه باد شمال شرقی
میوزد تردّد از آن سدّ خیلی خوف دارد وقتیکه کشتی بایارد شروع بشلیک نمود

تمام

این روز را بی هوده نگذراندیم چینی ها شروع بخمپاره باران کرده و تعجب مینمودیم
که گلوله تا کشتی های زره پوش ما میرسیدند دیروز در توپخانه دشمن
بجز توپهای بیجان نبود اما در شبانه چند توپ خانه دار بهم آورده اند یقین
از اثر توپهائیکه در یکی از عهدنامه های ۱۸۷۴ مسیحی که ما بانها داده بودیم بود
گلوله هم کمانه کرده از سکان کشتی موسوم به بایارد گذشته در حالیکه زخم شدیدی
به یکی از ملاحان کشتی وارد آورد چند صدمه جزئی هم بکشتی های زره پوش
وارد آمد اما چینی ها سست شده آتش فشانی آنها رفته رفته کم میشد
فردا صبح هوا خیلی ملایم بود و امواج بر طرف شده میتوانستیم از سد عبور نمائیم
پیش از روشنائی قشون پیاده نظام سرباز بحریه سرباز آنامی وغیره همگی
در تحت پارایون ناخدای کشتی حاضر شده مستعد بودند که بساحل بروند
اهالی کشتی همگی وجد مینمودند و کرجی ها را در آب انداخته کشتی های زره پوش
هم بنا برابرام مستعد بودند که ~~بساحل بروند~~ در وقت ضرورت نزدیک بروند
و کرجیهای زره پوش هم در سر جای خود قرار گرفتند   نیم ساعت
بدسته مانده آمیرال فرمان جنگ داد و کشتی کوچک بنای شلیک گذاشت
اما

اما از سمت دشمن هیچ صدائی بر نمی آمد پارایون در کرجی خود نشسته جلو
کشتی ها افتاد و شجاعانه خود را در آب انداخته راهبر ملاحان کشتی آتالانت
و بایارد نشان میداد در ساحل شنزار آبهای دریا داغان میشد ولی چه
فایده بجهة ملاحان شجاع ما که بمیزان برودت بیست و هشت درجه شستشوئی
بکنند ملاحان خود را در جلو آنامی ها انداخته در ساحل شنزار قرار گرفتند و ما بقی قشون
بجهة تقویت جنگ از کشتی بیرون آمدند   افواج بمسافت چند صد ذرع
از دهیکه امیر چینی ها بود و محافظت سد را مینمود قرار گرفتند و چند نفر از ماها هم که پیش از حرکت
مسیور نهارد در هوه بودند این مملکترا خوب میشناسند   چینی ها بطور
شجاعت ایستادگی کرده سنگرهای آنها را یک بیک تصرف مینمودیم
و یک ساعت از دسته گذشته بیرق فرانسه را در روی قلعه شمالی
قوان آن برپا نموده و دشمن به بی نظمی فرار میکردند و میخواستند که از مردابها
بگذرند یا آنکه خود را بقلعه های جنوبی بیندازند و بیچاره چینی ها بکه باید از شجاعی که نشان
دادند داوری برد در زیر گلوله های ما می افتادند و هرگاه ما احتیاط نکرده بودیم تلفات آنها
زیاده تر میشد   و این روز را ما فتح کرده بودیم قلعه های شمالی که تصرف ما آمد

داخله رودخانه را بجا واگذار میکردو دو ساعت از ظهر گذشته باذن آمیرال
کشتی های ویپر ولنکس حرکت نمودند کشتی ویپر شجاعانه در جلو افتاد بدون
انکه حرکت خلافی بکند و کرچهای زره پوش باشلیک چینی ها جواب میدادند
میو لرار دبهراهی میو بلووه داخل انکانالیکه میان دو قلعه واقع بود شده
در مردابیکه جلو داخله مخصوص رودخانه است و در میان باران گلوله برقرار گرفتند
کشتی های زره پوش هم تقویت جنگرا نموده خمپارهٔ از کشتی آلمانت در رفته
داخل جزیره نارچیل میشود که یکی از قلعه جات معتبر در انجا بود و در انبار باروط ترکیده
جنگرا باتمام میرساند   فردا قلعه جاتی را که چینی ها شبانه ترک
انها را کرده بودند تصرف نمودیم و قلعه های توان آن هم تماما در تصرف ما آمد
بما میگویند که هزار نفر از چینی ها تلف شده اند یقینا که انها ترسیده اند و
در این ساعت که بشما مینویسم امرای انها آمده و خواهش متارکه جنگ مینمایند
از طرف ما یکصاحبمنصب زخمدار گشت و ۶ نفر هم زخم کمی برداشتند آمیرال گوربه
تمام علهارا انجوبی و مهندسانه گذرانید و همگی اورا تهنیت نمودند   قشون آنامی
سزاوار این بود که در پهلوی پیاده نظام بحریه و ملاحان ما جنگ نمایند   من تمام
علهارا

علهارا انجوبی ملاحظه نمودم و چون با قشونیکه باید در کشتی بروند مامور بودم نتوانستم
که تفصیل جنگرا پیش از این بدهم اما خود آمیرال از تفصیل دادن آن کوتاهی نخواهد نمود
لکن همینقدر شمارا اطمینان میسازم که قشون ما شجاعانه رفتار نمودند
در تمام این کارها دقیقهٔ بی نظمی و غفلت نشد و باز بشما میگوییم که این جنگ
فخریه بزرگی است بجهة آمیرال گوربه و اشخاصیکه در تحت او بودند
ترجمه خانزاد مرتضی خان
پیشخدمت همایونی فی
سیم ربیع الاول ۱۳۰۱

دار الترجمهٔ خاصهٔ همایونی